

آیات ایستادگی - قسمت ۱۰ (فلسفه مقاومت و جهاد-۲)

حجت الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ».

عرض کردیم یکی از محورهایی که تو این شرایط خوبه بهش توجه کنیم، از نگاه قرآن اینه که فلسفه اینکه خدا از ما جهاد و مبارزه خواسته چیه؟ فلسفه این سختی‌ها، مشکلات و تحمل‌هایی که خدا از ما مطالبه می‌کنه، مقاومتی که می‌خواد و استقامتی که در برابر این سختی‌ها طلب می‌کنه، چیست؟ چرا خدایی که قادره، خدایی که عالمه و بر همه چیز تسلط داره، از ما می‌خواد با این سختی‌ها و مشکلات مبارزه کنیم؟ چرا از ما می‌خواد با دشمنانش بجنگیم؟ چرا خودش با قدرت الهی با آن‌ها برخورد نمی‌کنه؟

عرض کردم یک جواب کلی داره که قرآن به ما می‌ده و بعد هم فلسفه این مشکلات، سختی‌ها، دشواری‌ها و جنگ‌ها رو بیان می‌کنه. جواب اجمالی این بود که خدا از این دستوراتی که می‌ده و از تکالیفی که تعیین می‌کنه، دنبال این نیست که خودش منفعتی ببره؛ خدا می‌خواد در پرتو عمل به این تکالیف، ما به جایی برسیم. می‌خواد با این تکالیف، ما رشد کنیم. اگر امر به جهاد می‌کنه، اگر امر به انفاق می‌کنه و یا هر عبادتی، می‌خواد ما کمال پیدا کنیم.

خدا می‌تونه ریشه فقر رو برکنه و به تعبیر خود قرآن همه رو غنی کنه؛ اما در انفاق می‌گه می‌خوام شما انفاق‌کننده رشد کنید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ». خدا می‌تونست همه رو مؤمن بیافرینه، ولی اون موقع ایمان ارزشی نداشت: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا». می‌خواد ایمان رو خود ما انتخاب کنیم. ولذا خدا یه قانونی داره که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ تا امتی خودتون اقدام نکنند و برای تغییر حرکت نکنند، انتظار نصرت خدا رو نداشته باشند. تمام آیات نصرت الهی با شرط اومده؛ اول «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» است و بعد «يَنْصُرْكُمْ». باید اهل ایمان و مقاومت بود تا خدا یاری کنه. این یه سنت الهی است. در رابطه با جهاد هم همین‌طوره و فرمود بهشت را به بها می‌دهند و بهای بهشت، جهاد است که پیش‌تر اشاره کردیم.

اما جواب دوم و لطیف‌تری که قرآن می‌ده اینه که می‌گه من زندگی دنیا رو مملو و آمیخته کردم با سختی‌ها، آسانی‌ها، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها و همه این‌ها رو بین مردم در گردش قرار دادم. عنایت کنید: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ

نُذَوِّلُهَا بَيْنَ النَّاسِ». اصلاً فرق زندگی دنیا با آخرت همینه؛ آخرت یا یکسره راحتی در بهشت است یا یکسره عذاب در جهنم، اما دنیا خوشی و ناخوشیش با همه.

خب خدایا، این «تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» برای چیه؟ چرا زندگی رو با انواع سختی‌ها و مشکلات پیچیده کردی؟ قرآن در سوره آل عمران چهار علت برای این کار می‌شماره. این چهار علت خوبه که مورد توجه همه مردم عزیز ما باشه تا بدونن در این مشکلات، در این سختی‌ها و در میدان مبارزه، هدفمندی وجود داره.

علت اول: می‌خوام شماها امتحان بدید. می‌خوام سره از ناسره جدا بشه و مؤمنان واقعی از مدعیان دروغین تفکیک بشن. می‌دانید که سنت امتحان، یک قانون قطعی، تغییرناپذیر و همگانی است. هدف از این امتحان، آشکار شدن جوهره انسان‌هاست تا حقیقتشون روشن بشه. به تعبیر امیرالمؤمنین (ع): «فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرِ الرَّجَالِ» (در دگرگونی احوال است که گوهر درون مردان شناخته می‌شود). اگر این سختی‌ها نباشه، انسان‌ها از هم جدا نمی‌شن. تا امام حسین (ع) نیاد کربلا، مدعیان حسینی فراوانند؛ خیلی‌ها طومار و نامه نوشتند و شعار دادند، اما وقتی برق شمشیر عبیدالله رو روی گردنشان دیدند، مشخص شد چقدر پای کارند! فرمود: «إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا، وَالِدِّينُ لَعَقُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ» (مردم بنده دنیایند و دین تنها لقلقه‌ای بر زبانشان است... اما هنگامی که با بلا و سختی آزموده شوند، دین‌داران واقعی اندک خواهند بود).

قرآن درباره این سنت الهی که حتماً امتحان می‌شید، با صراحت فرمود: فکر نکنید همین که گفتید ما مؤمنیم، شهادتین رو گفتید و نماز و روزه رو انجام دادید، شما رو رها می‌کنیم! «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟» آیا مردم پنداشتند همین که بگویند ایمان آوردیم رها می‌شوند و امتحان نمی‌شوند؟ در حالی که این سنت ماست: «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» قبلی‌ها رو امتحان کردیم، شما رو هم امتحان می‌کنیم. خدایا هدف از این امتحان چیه؟ «فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» تا صادقان در ایمان، از دروغ‌گویان جدا بشن.

خب مواد امتحانی خدا هم فراوانه. خودش فرمود گاهی با نعمت و گاهی با نعمت و سختی‌ها امتحانتون می‌کنم: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

تا اینجا رو گفتم، اما مهم‌ترین ماده امتحانی «جهاد» است. جلسه آینده ان‌شاءالله روی این موضوع تکیه می‌کنم که مهم‌ترین ماده امتحانی خدا جهاد است و تو این میدان‌هاست که جوهره و حقیقت انسان‌ها روشن می‌شه. ان‌شاءالله که خدا ما رو در این امتحانات خودش موفق و سربلند بگرداند.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

